

رفتار حرفه‌ای وکلای دادگاه‌های انتظامی

حمید رفیعی فرد

دادیار انتظامی دادسرای کانون مرکز

پذیرش پرونده با عنایت به موازین اخلاق حرفه‌ای

از جمله مسائلی که همواره در حیطه اخلاق حرفه‌ای وکلای دادگستری مطرح می‌گردد، طرح این سؤال است: آیا وکلای دادگستری مجاز می‌باشند در مراجعه اشخاص، هر پرونده‌ای را پذیرا گردند یا اینکه در این خصوص معیارهایی وجود دارد که وکیل دادگستری را در پذیرش دعاوی اشخاص محدود می‌کند. به راستی حد و مرز پذیرش وکالت وکیل دادگستری کجاست؟ و مشخصه پرونده‌ای که وکیل دادگستری قرار است قبول کند چیست؟ اهمیت این پرسش در بین اعضای دادسرا و دادگاه‌های کانون مرکز مورد توجه بود و موضوع در جلسه ماهانه مجمع عمومی اعضای دادسرا و دادگاه‌های کانون مرکز طرح و در چندین جلسه مورد تحلیل جدی قرار گرفت. در این جلسات آنچه را که تقریباً مورد توجه و قبول جمع حاضر مجمع قرار گرفت، تفکیک موضوع از جهت پرونده‌های کیفری و حقوقی بود و در واقع این عقیده وجود داشت که به لحاظ طبیعت و مشخصه پرونده‌های کیفری، اقتضاء می‌کند که وکلای دادگستری در پذیرش پرونده‌های کیفری با وسعت نظر بیشتری برخوردار کنند، زیرا در جوامع ارزشی: اصل بر برائت انسان‌هاست و حفظ اعتبار و حیثیت انسان‌های بی‌گناه، آنچنان حائز

اهمیت است که عنایت به مسایل مافی انسان‌ها در مقایسه با مسایل حیثیتی، در اولویت بعدی قرار می‌گیرد.

از آنجایی که هر انسانی ممکن است به لحاظ ویژگی‌های محیط زیستی او، به رغم بی‌گناهی در معرض اتهام قرار گیرد، یکی از مهمترین دغدغه‌های او، موضوع برخورداری از امنیت دفاع می‌باشد. از همین‌روست که علمای جامعه‌شناسی یکی از مشخصه‌های جوامع پیشرفته را فراهم بودن امنیت دفاع شهروندان در آن جامعه می‌دانند. در یک نگرش ساده، اگر مسئولین جامعه حتی در خصوص قسی‌القلب‌ترین مجرمان اجازه دهند تحت حمایت قوانین حاکم بر جامعه از امنیت دفاع برخوردار باشد به طریق اولی، شهروندان آن جامعه احساس نگرانی و عدم امنیت نخواهند داشت.

از این‌روست که دفاع امر مقدسی تلقی می‌گردد و وکلای دادگستری در مقام اشخاص متخصص، در جهت حقوق قانونی شهروندان، عهده‌دار دفاع آنها می‌گردند و در این ارتباط از ابتدای زمانی که شخص در معرض اتهام قرار می‌گیرد و حتی در شرایطی که افکار عمومی علیه آنها قرار دارد و متهم احساس تنهایی مفرط می‌کند، در کنار او و با تمسک به قوانین، همواره حریم امنیت دفاع او پاس می‌دارد تا مبادا حقی از او ضایع گردد و چه بسا در این رهگذر مصائب و مشکلاتی را هم متحمل گردد.

با عنایت به اینکه نقش وکلای دادگستری قطع نظر از بی‌گناهی و گناهکار بودن متهمان دفاع از حقوق متصوره و قانونی آنها می‌باشد و نه دفاع از اتهام آنها و در این راستا نقش وکیل دادگستری بنابه مورد در احراز مجرمیت و عدم مجرمیت در نگرش بعدی در میزان و نوع مجرمیت متهمان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به لحاظ این نقش وسیع، هیچ نگرشی و محدودیتی در پذیرش پرونده‌های کیفری برای وکلای دادگستری قائل نمی‌باشد و نگرش حاکم بر مجمع عمومی نیز ناظر بر همین عقیده بود. اما در خصوص پذیرش پرونده‌های حقوقی نگرش‌های متنوع و متفاوتی در مجمع وجود داشت که بنابه اظهار نظرهای مطروحه چهار نظر ذیل از آن مستفاد می‌گردد:

۱- وکیل هم باید حقانیت موکل خود را در دعاوی مطروحه احراز کند و هم کافی بودن دلایل اثباتی.

۲- کافی است وکیل به حقانیت موکل خود علم داشته باشد هر چند دلایل آن کافی

نباشد.

۳- صرف کافی بودن دلایل اثباتی بسنده می‌کند، قطع نظر از اینکه موکل حق داشته باشد یا خیر.

۴- وکیل در هر حال اعم از اینکه موکل حق داشته باشد یا خیر و یا دلایل اثباتی او کافی باشد یا خیر باید دعوی موکل را قبول کند.

آنچه در نظرهای ابرازی فوق قابل بحث می‌باشد ذکر این واقعیت است که تشخیص حقانیت موکل و دلایل اثباتی دعاوی مربوط به وی، نسبی است، که نسبت به وکلای متعدد، متفاوت می‌باشد و بنابه اینکه وکیل در چه جایگاه علمی و تجربه قرار دارد، ممکن است تشخیص‌های متفاوتی را ایجاد کند. حتی در خصوص وکلای هم‌تراز هم چه بسا عقاید متفاوتی در خصوص یک دعوی مطرح گردد، همانطوری که در خصوص محاکمی که از تعدد قاضی برخوردار است چه بسا قضات آن در خصوص یک پرونده، در تصمیم‌گیری، نظرات متفاوتی ارایه کنند. قطع نظر از آن ممکن است یک پرونده در روند رسیدگی آتی خود منجر به بروز دلایل و حقایقی گردد که در بررسی‌های اولیه امکان تشخیص آن وجود نداشته باشد. نتیجه اینکه صرفاً پذیرش هر یک از نظرات چهارگانه فوق، نمی‌تواند برای وکلای دادگستری، من‌باب یک الگو، قابل پیروی باشد.

آنچه که از دیدگاه موازین اخلاق حرفه‌ای می‌تواند مردود باشد در واقع این است که وکیل دادگستری به دور از منافع و مصالح مراجعه‌کننده و صرفاً از منظر منافع مادی خود، پرونده‌ای را به دور از واقعیات آن برای وی تحلیل کند. از آنجایی که مراجعه‌کنندگان به وکیل دادگستری اغلب اشخاص گرفتار و مستاصل می‌باشند و علاقه و آفری به شنیدن وعده‌های مطلوب در خصوص نتیجه کار خود دارند و وکیل دادگستری به رغم دانش حقوقی از فقدان اطلاعات حقوقی مراجعه‌کننده و شرایط استیصالی وی سوءاستفاده کند و نهایتاً تحلیل و اطلاعات حقوقی غلطی به وی ارایه دهد به نحوی که او را راغب به تفویض وکالت به وکیل مذکور کند. بدیهی است این وکیل دادگستری از منظر اخلاق حرفه‌ای تخلفی آشکارا کرده است که منافات با تقدس حرفه او بوده و از این بابت مستوجب مجازات انتظامی می‌باشد.

بنابراین در خصوص قبول پرونده توسط وکیل دادگستری بسته به اینکه وکیل چه

اهداف و نیاتی را در پذیرش وکالت اشخاص دنبال کرده است موضوع می‌تواند قابل بررسی باشد. نیت غیراخلاقی، انگیزه پذیرش دعاوی بدون توجه به وجود حقانیت و دلایل اثباتی می‌باشد. به همین جهت کلیه اعضای دادسرا و دادگاه‌های کانون وکلای مرکز درخصوص شکایت‌های مطروحه اشخاص علیه وکیل دادگستری، تحت عنوان پذیرش دعاوی فاقد حقانیت و دلایل کافی، سرانجام چنین اتخاذ تصمیم کرد که رسیدگی‌های موردی انجام پذیرد تا با توجه به ابعاد مختلف هر پرونده، قابلیت اتخاذ تصمیم شایسته فراهم گردد.

